

تشخیص چهره با کووید ۱۹

داستان زندگی آدم‌هایی که با شیوع کرونا معروف شدند و گفت‌وگو با دکتر «مسعود مردانی» که تقریباً هر روز او را در تلویزیون می‌بینیم

ZENDEGI - SALAM

ضمیمه روزنامه خراسان

دوشنبه ۷ مهر ۱۳۹۹

۱۰ صفر ۱۴۴۲ • ۲۸ سپتامبر ۲۰۲۰

شماره ۲۰۴۸۶

۱۷۰۶



تولدرئیس سازمان جهانی

بهداشت در یک خانواده فقیر

چه کسی؟ تدریس آدهانوم

چه ستمی دارد؟ دبیر کل سازمان جهانی بهداشت

از داستان زندگی او چه می‌دانیم؟

«می‌توانم بپذیرم کسی تنها به دلیل فقر، جان خود را از دست بدهد.» ۵۵ سال پیش تدریس آدهانوم در یک خانواده فقیر ایتالیایی متولد شد. او ۷ ساله بود که برادر ۵ ساله‌اش را به خاطر سیستم نا کارآمد درمانی کشورش از دست داد و همین انگیزه‌ای شد که آقای آدهانوم برای نجات سیستم بهداشت و درمان کشورش آستین بالا بزند. آدهانوم در هجده سالگی به انگلیس می‌رود و در رشته بهداشت عمومی، دکتر می‌گردد. او سال ۲۰۰۵ وقتی روی صندلی وزارت بهداشت کشورش می‌نشیند بایک سیستم‌ور شکسته روبه‌رو می‌شود اما در طول هفت سال مدیریتش هزاران مرکز درمانی جدید در ایتوبی برپا و تعداد تحصیل کرده‌های این رشته را چندین برابر می‌کند. از کارنامه پروپیمان آقای آدهانوم همین بس که در طول ۷ سال تصدی‌اش در وزارت بهداشت نرخ مرگ و میر بر اثر ابتلا به بیماری‌هایی چون سل، مالاریا و ایدز در این کشور تا حدود ۹۰ درصد کمتر شد. هر چند که بعضی از شهروندان در باره عملکرد او انتقادات هم داشته‌اند. مثلاً گفته می‌شود که آدهانوم چندین مورد شیوع وبا در سال‌های ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۱ را کم‌رنگ جلوه داده و همین باعث شده تا تعداد زیادی از شهروندان این کشور با ارتباط نزدیک با چینی‌ها حالا انگار برای او در دسر ساز شده‌است. چند وقتی است که او مورد انتقاد چند کشور غربی قرار گرفته به این بهانه که در آغاز شیوع کرونا از روی ملاحظه با چینی‌ها به اندازه کافی برای مقابله با کرونا عمل نکرده‌است.



سختگویی با تپق‌های پی‌در پی

کندید به ویدئویی می‌رسید که سیما سادات لاری وقتی می‌خواهد عدد ۲۳۲۲ نفر را اعلام کند چند مرتبه گیر می‌کند و اعداد مختلفی را به زبان می‌آورد! در یک ویدئو، سوتی‌های اعلامی خانم سختگو را با قسمتی از سریال بامزه «سه در چهار» مقایسه می‌کنند که بازیگرها نمی‌توانند اعداد و ارقام ساده را بیان کنند و ...! این همه چیزی است که از سیما سادات لاری می‌دانیم. برای این پرنده حدود ۱۰ روز برای یک گفت‌وگوی کوتاه با سختگوی وزارت بهداشت که اطلاعات معتبر کمی از او در اینترنت وجود دارد، پیگیری کردیم اما در همه این مدت بین خانم لاری و مسئول روابط عمومی ایشان پاسکاری شدیم! هر چند از مقام سختگو انتظار می‌رود ارتباط بهتری با رسانه‌ها داشته باشد اما شما به بزرگواری خودتان ببخشید و به همین چند خط توضیح ما از ایشان قانع باشید!



چه کسی؟ سیما سادات لاری

چه ستمی دارد؟ سختگوی وزارت بهداشت

از داستان زندگی او چه می‌دانیم؟

بعد از کیانوش جهانپور، تریبون اعلام آمار تعداد مبتلایان و فوتی‌های کرونا به سیما سادات لاری رسید. او قبلاً عضو هیئت علمی بخش رادیولوژی دانشگاه علوم همدان بود. خانم لاری اولین دندان پزشکی است که به سمت سختگوی وزارت بهداشت منصوب می‌شود. سختگوی جدید وزارت بهداشت که از حدود دو ماه پیش کارش را شروع کرده‌آن اوایل با تپق‌های حسابی معروف شد. به ویژه اولین روز‌هایی که او در بخش خبری ساعت ۱۴ مبتلایان و فوتی‌های کرونایی را اعلام می‌کرد، ویدئوی تپق‌هایش باز نشر قابل توجهی در شبکه‌های اجتماعی داشت. اگر همین حالا هم نام سختگوی وزارت بهداشت را جست‌و

پزشکی که از آمپول می‌ترسد!

چه کسی؟ کیانوش جهانپور

چه ستمی دارد؟ رئیس مرکز روابط عمومی وزارت بهداشت

از داستان زندگی او چه می‌دانیم؟

۱۸ سالگی وارد دانشکده پزشکی اصفهان می‌شود. مدتی بعد از فارغ التحصیلی اما لباس پزشکی را کنار می‌گذارد و روی صندلی روابط عمومی دانشگاه اصفهان و بعد هم سختگوی سازمان غذا و دارو می‌نشیند. جهانپور می‌گوید: «در کودکی مثل همه بچه‌ها از آمپول می‌ترسیدم. وقتی وارد حرفه پزشکی شدم هر بچه‌ای را ویزیت کردم، آمپول برای او نوشتم مگر این که ناگزیر بودم. برای خودم هم همین کار را کرده‌ام. در ۲۵ سال گذشته هر کسی برابم آمپول تجویز کرده سعی کردم جایگزین آن را استفاده کنم!» جهانپور ۲۲ مهر سال گذشته، برادرش و کمی بعد، پدرش را از دست داد. خودش این‌طور تعریف می‌کند: «غم برادرم باعث شد پدرم را هم از دست بدهم. او همیشه می‌گفت کسی حق ندارد برای من مراسمی برگزار کند و همین اتفاق افتاد. پدرم ۱۲ اسفند در گذشت و ما به خاطر کرونا، مراسمی برایش نگرفتیم.» چراغ جدی حاشیه‌های جهانپور واسطه فروردین روشن شد، جایی که همه منتظر بودند تا او مثل همیشه در تلویزیون، آمار را اعلام کند اما جهانپور بعد از اعلام آمار به شدت از عملکرد چین در انتشار آمار همه‌گیری کرونا انتقاد کرد که با واکنش سفیر چین و سختگوی وزارت خارجه همراه شد.



متخصصی که کرونا را شکست داد

چه کسی؟ مینو محرز

چه ستمی دارد؟ رئیس انستیتو تحقیقات ایدز کشور

از داستان زندگی او چه می‌دانیم؟

«مینو محرز» در سال ۱۳۲۴ در تهران به دنیا آمد و در سال ۱۳۵۲ موفق به اخذ مدرک دکتر در رشته تخصصی عفونی از دانشگاه تهران شد. او سال‌هاست به عنوان کارشناس سازمان جهانی بهداشت درباره بیماری ایدز در ایران و منطقه مدیترانه شرقی پژوهش می‌کند و از سال ۱۳۹۴ که مرکز

نمی‌دانم اما دو هفته در قرنطینه بودم، ۲ تست منفی داشتم و از قرنطینه بیرون آمدم و کارم را شروع کردم. بنده در طول حضور در قرنطینه هیچ علامتی نداشتم و درمانی انجام ندادم.» محرز در جدیدترین گفت‌وگویش هم از مردم خواهش کرده که همچنان به رعایت پروتکل‌ها پایبند باشند و گفته: «هم اکنون کووید ۱۹ در کشور به اوج خود در موج سوم رسیده و تقریباً همه جای کشور قرمز است. در کنترل بیماری رفتار اجتماعی مردم به میزان زیادی موثر است زیرا نه واکنش داریم و نه دارو و درمان اختصاصی.»



تحقیقات ایدز ایران را هاندازی شد، ریاست آن را بر عهده دارد. محرز بعد از شیوع کرونا، به یکی از چهره‌هایی تبدیل شد که گفت‌وگوهای زیادی درباره این بیماری انجام داد و بارها به عنوان کارشناس در برنامه‌های تلویزیونی حاضر شد. با این حال اوایل امسال، خودش به کرونا مبتلا شد و بعد از بهبودی در ارتباط تصویری متخصصان حوزه بهداشت با رئیس‌جمهور در پاسخ به پرسش رئیس‌جمهور درباره وضعیت بیماری خود، گفت: «بنده بدون علامت بودم. زمانی که آزمایش دادم گفتند تست شما مثبت است. این که چه زمانی به کرونا مبتلا شدم

من خودم را یک پزشک سلبریتی می‌دانم

گفت‌وگو با «مسعود مردانی» که بعد از شیوع کرونا و حضور در برنامه‌های مختلف تلویزیونی به چهره‌ای شناخته شده تبدیل شد

با سهل انگاری، پای ویروس به پایتخت باز شد

از دکتر مردانی می‌پرسم اولین بار، خبر انتشار شیوع کرونا در کشورمان را چگونه فهمیده و چه واکنشی داشته‌است که می‌گوید: «آخرین روز‌های بهمن یکی از شاگردانم در قم با من تماس گرفت و گفت که برای چند بیمار هر

چه آن‌تی بیوتیک تجویز می‌کنم فایده‌ای ندارد. چند روز بعد همکار دیگری تماس گرفت تا درباره چند بیمار با شرایط مشابه مشورت کنیم. دو، سه روز بعد هم چند بیمار بد حال قمی سراغ خود من آمدند ولی هر کار کردم فایده‌ای نداشت و آن‌ها فوت

کردند. همه این وقایع باعث شد تا یک اکیپ تحقیقاتی را به قم ارسال کنیم. اولین بار دانشگاه تهران اعلام کرد که این بیماری کروناس‌ت و ما هم خبر را به اطلاع وزیر رساندیم. من البته قبلاً چنین وضعیتی را تجربه کرده بودم. وقتی «مرس» در عربستان شایع شد عضو کمیته شورای عالی حج بودم. آن موقع عده‌ای از کرمانی‌ها به حج رفته و مرس را به ایران آورده بودند. من هم در روزنامه جام جم مطلبی با عنوان «کرونا را جدی بگیرید» نوشتم که بعداً خبر ساز شد. آن زمان «مرس» که ویروس ضعیف شده کروناس‌ت در نطفه خفه شد ولی در کرونای چینی مقدار ی اهمال کاری کردیم. شاید باورناتان نشود وقتی اکیپ تحقیقاتی



موقع یک پیکان کهنه داشتم که مدام پنجر می‌شد ولی حتی یک بار دست به لاستیک نزدم. مردم آن قدر لطف داشتند که خودشان لاستیک را درست می‌کردند. الان هم اوضاع همین‌طوری است. از وقتی کرونا شروع شده به برنامه‌های مختلفی می‌روم همه مردم، من را می‌شناسند. چند

روز پیش در آخرین مهلت ارسال اظهارنامه مالیاتی به بانک مراجعه کردم. در مسیر مراجعه به بانک، چندین نفر سراغم آمدند و عکس یادگاری گرفتند. حتی وقتی به بانک رسیدم کارم را سریع انجام دادند و ... من خودم را یک

پزشک سلبریتی می‌دانم. سلبریتی که ارتباط با مردم همیشه برایش لذت بخش بوده‌است. قبل از این که تخصص عفونی را انتخاب کنم سه ماه رادیولوژی خواندم که درآمد بیشتری داشت ولی متخصص رادیولوژی فقط با عکس و دستگاه سونوگرافی ارتباط دارد. او هیچ وقت سراغ بیمار نمی‌رود تا شرح حال بگیرد. آن زمان با این که شاگرد اول پزشکان عمومی ایرانی بودم ولی رشته عفونی را انتخاب کردم که هر پزشکی با هر تبه‌ای می‌تواند آن را بخواند. هنوز هفت یا هشت دقیقه از فارغ التحصیلی‌ام نگذشته بود که پیشنهاد دادند عضو هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی بشوم.»

فوق تخصص بیماری‌های عفونی در چند ماه گذشته پای ثابت گفت‌وگوها و برنامه‌های سلامت محور تلویزیونی بوده و بین مردم حسابی معروف شده‌است. توصیه می‌کنم که گپو گفت مفصل و تقریباً چالشی‌ما را با این پزشک خوش اخلاق جنوبی بخوانید.

قبل از تنکوره به پزشک شدن فکر نمی‌کردم

«۱۸ ساله بودم و دیپلم دانش سرای مقداتی (تربیت معلم قدیم) گرفتم. سال ۱۳۵۴ با بالاترین نمره از دانش سرای کل کشور فارغ التحصیل شدم و هیچ وقت به پزشک شدن فکر نکردم.» مردانی با این مقدمه می‌گوید: «آن سال با بالاترین نمره، دیپلمم را گرفتم و بورسیه شدم. اوایل پیشنهاد دادند که لیسانس دانش سرای عالی بگیرم اما من از رشته‌هایش خوشم نیامد و هم‌زمان درس خواندم و تدریس کردم. وقتی تنکور دادم هم‌زمان در ۱۳ رشته پزشکی و دندان پزشکی و ۳۴ رشته حقوق و مهندسی قبول شدم. من هم دانشگاه پزشکی جندی شاپور اهواز را انتخاب و هم‌زمان در یک دبیرستان پسرانه تدریس کردم. از سال ۵۴ تا همین حالا من هم پزشک و هم در دانشگاه شهید بهشتی، معلم هستم.»

۸ دقیقه بعد از فارغ التحصیلی، عضو هیئت علمی شدم

مردانی ۱۳ سال از عمر کاری‌اش را در چهار محال و بختیاری گذرانده و می‌گوید آن زمان هم مثل حالا چهره معروفی بوده‌است: «بیشتر از ۲۰ سال پیش در یک برنامه تلویزیونی استانی اجرا داشتم. من آن جا هم مجری بودم و هم کارشناس. روزگاری آن قدر طرفدار داشتم که موقع پخش برنامه ما خیابان‌های شهرستان خلوت می‌شد. آن

